

## تأمل

## مکر عقل و فریب تاریخ

**گروه اندیشه/ هگل و مارکس نخستین متفکرانی بودند که از «مکر عقل» و «فریب تاریخ» گفتند اما اینکه عقل چگونه مکر می‌کند و تاریخ چگونه می‌فریبد، دو پرسشی است که دکتر رضا داوری اردکانی، فیلسوف معاصر ما، در صفحه شخصی خود در اینباره می‌گوید تاریخ می‌تواند هم راهنما و هم گمراه‌کننده باشد: «تاریخ عین درک و فهم و راهبر آن است و راه معاش و کار و سیاست، در روشنایی و تاریکی آن پیموده می‌شود.»**

او به دیدگاه هگل در اینباره اشاره می‌کند و «توهم قدرت» را مصداق «مکر عقل» می‌شمارد: «شخصیت‌هایی چون اسکندر و بنیپارت که گرفتار مکر عقل و توهم قدرت شدند همچون قواره بالا رفته و سرنگون شدند.» اما فریب تاریخ، دامنه وسیع‌تری دارد. به زعم دکتر داوری، تاریخ می‌تواند مردمان را به «ظلمت نادانی» مبتلا کند و این امر غالباً با ایجاد خلل و آشوب در زیان صورت می‌گیرد: «کنفوسیوس، حکیم نامدار چینی، گفته بود که با خارج شدن الفاظ و کلمات از جایگاه خود، پریشانی و بی‌سامانی در زندگی مردمان پدید می‌آید.»

داوری معتقد است جهان اکنون در این اوضاع گرفتار آمده و تا آنجا پیش رفته که حتی مرز بین فضیلت و زدیلت را متزلزل و محو کرده است: «مرزهای میان دانایی و بی‌خردی، عزت و ذلت، توانایی و درماندگی، عفت و هوس‌بازی، راست و دروغ، پیروزی و شکست و وطن‌دوستی و بی‌وطنی برداشته شده و این آخرین مکر و حیله تاریخ است. زیرا با این مکر، تاریخ خانه خود را ویران کرد.»

با این اوصاف، دکتر داوری مردمان را سرگرم «بازی ایام» می‌بیند که آینده امید و امیدی برای خود متصور نیستند و این نتیجه همان مکر عقل و فریب تاریخ است که هگل و مارکس به آن هشدار می‌دادند.



عکس: FARS



تحلیل حادثه طیس از نگاه «اقتصاد سیاسی»

## برچسب‌های ناموجه

**گروه اندیشه/** طی ۴ ماه، ۱۲ حادثه معدن در ایران اتفاق افتاد که آخرین آن حادثه تأثیربرانگیز معدن طیس بود. دکتر رضا امیدی، تحلیلگر حوزه توسعه و سیاستگذاری اجتماعی طی یادداشتی به برچسب‌های ناموجهی چون «بی‌احتیاطی کارگران» اشاره می‌کند که به این دست از حادثه‌های کار در ایران زده می‌شود: «ویکتور غالب در تحلیل مخاطرات کاری در ایران بیش از هر چیز بر «فردی دیدن» مخاطره مبتنی است. از همین رو، حتی در دسته‌بندی عوامل بروز حادثه برچسب «بی‌احتیاطی» بیشترین میزان فراوانی را دارد. از حدود ۱۴۰۰ نفر مرگ‌ومیر حین کار و همین مقدار قطع عضو حین کار در سال، بیش از ۹۰ درصد موارد به بی‌احتیاطی نسبت داده شده است. همین نرخ در حوادث رانندگی هم تکرار می‌شود. یا مسأله دیگری به «ضعف مهارت‌های فردی» تقلیل می‌یابد و اساساً این «فرد» است که باید در مقابل مخاطره‌های مداوم از خود مراقبت کند و کوبی ساختارها و نهادها وظیفه‌ای برعهده ندارند.

به عقیده او، در وقوع چنین حوادثی، ما اغلب «عوامل ساختاری» را انکار می‌کنیم و به تحلیل مبتنی بر «انکار وضعیت» رو می‌آوریم: «زیبرا تأکید بر این نوع عوامل، بی‌مسئولیتی‌ها، رهاشدگی‌ها و ناکارآمدی‌ها را آشکار می‌کند و «پاسخگویی» می‌طلبد. چیزی که ساختار از آن فراری است.»

او ریشه این نوع برخورد را در «اقتصاد سیاسی نهفته در مناسبات کاری ایران» می‌داند که متعاقب آن، نقد استراتژی «انکار وضعیت» را دشوار می‌کند و سلطه در روابط و محیط کار را شدت می‌بخشد.

موقتی‌سازی شغلی، بی‌ثباتی کاری، امنیتی‌کردن شکل‌گیری و... از جمله مواردی است که دکتر امیدی معتقد است نیاز به جراحی دارند تا وضعیت امروز کارگران معدن و کارگران پروژه‌ای و... رو به بهبود رود. علاوه بر اینکه در کنار آن، باید اقتصاد سیاسی مناسبات کاری، شفاف و اصلاح شود.



عکس: seratnews

## خاطره جالب دکتر موسی نجفی از دیدارش با سید حسن نصرالله

## اسطوره‌های ملی و قهرمانان امت اسلامی

## روایت

مریم مجد

خبرنگار

دکتر موسی نجفی، استاد اندیشه‌سیاسی دانشگاه تهران و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پس از شهادت سید حسن نصرالله در صفحه شخصی خود، خاطره‌ای از دیدار و مصاحبه‌اش با سید حسن نصرالله نقل کرده است که به گفته خود او، تاکنون این مصاحبه و دیدار، رسانه‌ای نشده است.

## دیدار با نصرالله در حضور سردار سلیمانی

دکتر موسی نجفی می‌گوید که دیدارش با سید حسن نصرالله به سال ۸۸ برمی‌گردد که به همراه جمعی محدود برای گفت و گو و ثبت خاطرات

سید حسن نصرالله از مقام معظم رهبری نزد او رفته بودند. از نکات جالب این ملاقات این بود که سردار شهید قاسم سلیمانی هم در این جمع حضور داشت: «سال ۸۸ در اوج مسائل بعد از انتخابات ریاست جمهوری، با جمع محدودی با

## محبوبیت ملی حزب الله لبنان به روایت سید حسن نصرالله

موسی نجفی می‌نویسد که در این دیدار سید حسن نصرالله به «تأثیر مقام معظم رهبری بر حزب‌الله لبنان» اشاره کرد و گفت که با هشدارها و مشاوره‌های درست مقام معظم رهبری بود که حزب‌الله لبنان توانست در افکار عمومی لبنانی‌ها محبوبیت ملی پیدا کند چنان‌که امروز لبنانی‌ها حزب‌الله را جزئی جداناپذیر از سرنوشت کشورشان می‌دانند. «سید حسن نصرالله گفت ما به خاطر تأثیر انقلاب اسلامی و



موسی نجفی می‌نویسد که در این دیدار سید حسن نصرالله به «تأثیر مقام معظم رهبری بر حزب‌الله لبنان» اشاره کرد و گفت که با هشدارها و مشاوره‌های درست مقام معظم رهبری بود که حزب‌الله لبنان توانست در افکار عمومی لبنانی‌ها محبوبیت ملی پیدا کند چنان‌که امروز لبنانی‌ها حزب‌الله را جزئی جداناپذیر از سرنوشت کشورشان می‌دانند. «سید حسن نصرالله گفت ما به خاطر تأثیر انقلاب اسلامی و

موسی نجفی می‌نویسد که در این دیدار سید حسن نصرالله به «تأثیر مقام معظم رهبری بر حزب‌الله لبنان» اشاره کرد و گفت که با هشدارها و مشاوره‌های درست مقام معظم رهبری بود که حزب‌الله لبنان توانست در افکار عمومی لبنانی‌ها محبوبیت ملی پیدا کند چنان‌که امروز لبنانی‌ها حزب‌الله را جزئی جداناپذیر از سرنوشت کشورشان می‌دانند. «سید حسن نصرالله گفت ما به خاطر تأثیر انقلاب اسلامی و

شهید سید حسن نصرالله دیدار داشتیم و موضوع گفت‌وگو هم خاطرات ایشان از مقام معظم رهبری بود. ایشان از همان ابتدا فضا سازی رسانه‌ای بیگانه و هجمه صورت گرفته خارجی در بحران پس از انتخابات ریاست جمهوری را مورد اشاره قرار داده و به خاطر تجربه سیاسی‌اش از شیطنت‌های غربی - امریکایی به وضوح نسبت به دست خیانت‌آمیز و فتنه‌گر امریکایی در التهاب آفرینی و بحران سازی در کشور هشدار داد.»

## حزب‌الله لبنان چطور محبوبیت ملی پیدا کرد؟

موسی نجفی می‌نویسد که در این دیدار سید حسن نصرالله به «تأثیر مقام معظم رهبری بر حزب‌الله لبنان» اشاره کرد و گفت که با هشدارها و مشاوره‌های درست مقام معظم رهبری بود که حزب‌الله لبنان توانست در افکار عمومی لبنانی‌ها محبوبیت ملی پیدا کند چنان‌که امروز لبنانی‌ها حزب‌الله را جزئی جداناپذیر از سرنوشت کشورشان می‌دانند. «سید حسن نصرالله گفت ما به خاطر تأثیر انقلاب اسلامی و

## شخصیت‌های تاریخ ساز

دکتر نجفی با ذکر این خاطره، بر تاریخ‌سازی شخصیت‌های برجسته‌ای چون سردار سلیمانی و سید حسن نصرالله صحنه می‌گذارد که هر دو سرنوشت مشابهی یافتند و اسطوره ملی و قهرمان امت اسلامی شدند: «بدانیم اسطوره ملی شدن همزمان با قهرمان امت اسلامی گردیدن فقط شامل افراد نادر و برجسته تاریخ‌ساز می‌شود و این منظر، شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سید حسن نصرالله ارزش و سرنوشت مشابه پیدا کردند.»

تأسیس کنند و آن را در حوزه‌های مختلف گسترش دهند. اما اینکه ما چه فهمی از policy و دانش سیاست داریم و چه مفاهیمی را به این دانش مرتبط می‌کنیم؛ می‌تواند گویای این باشد که ما در توسعه دانش سیاستگذاری عمومی گجای مسیر قرار گرفته‌ایم.

## هنر حکمرانی

دکتر علی‌پایا در تعریف دموکراسی، آن را نوعی «فناوری» دانستند. براین قیاس، می‌توان گفت policy هم نوعی «تکنولوژی» است؛ برساخته‌ای که کار علم، فن و هنر حکمرانی است که ارتباط تنگاتنگی با سایر علوم دارد و به کار تنظیم عملکرد دولت‌ها و عوامل حکومتی است استفاده درست و بجایی نمی‌کنند. به عنوان مثال مدت‌ها بحث بر سر این بود که «وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت» آیا باید یک وزارتخانه باشد یا دو یا سه وزارتخانه؟ استدلال‌ها هم اغلب از این جنس بود که این سه در کنار هم بسیار بزرگ و وسیع می‌شوند بنابراین باید به وزارتخانه‌هایی مجزا تقسیم شوند! در حالی که از دید «دانش سیاستگذاری» ما در نظام حکمرانی به مرکز واحدی نیاز داریم که حاصل تلاقی «سیاست تجاری»، «سیاست صنعتی» و «سیاست نوآوری» باشد؛ واحدی که بتواند این «سه سیاست» را تنظیم‌گری کند. اما وقتی مقیاس ما برای تشکیل یک وزارتخانه و یک واحد حکمرانی، اندازه و سائز آن می‌شود این امر گویای این است که ما هنوز محل بحث را درک نکرده‌ایم و بنیان‌های حکمرانی را به درستی تشخیص ن داده‌ایم. این دست از مسائل در نظام حکمرانی ما نشان می‌دهد اگر بخواهیم از این دانش در امر حکمرانی بهره‌بگیریم، چقدر متخصصان رشته سیاستگذاری در ایران، کار معطل و بر زمین مانده دارند.

دکتر علی‌پایا در تعریف دموکراسی، آن را نوعی «فناوری» دانستند. براین قیاس، می‌توان گفت policy هم نوعی «تکنولوژی» است؛ برساخته‌ای که کار علم، فن و هنر حکمرانی است که ارتباط تنگاتنگی با سایر علوم دارد و به کار تنظیم عملکرد دولت‌ها و عوامل حکومتی است که استفاده درست و بجایی نمی‌کنند. به عنوان مثال مدت‌ها بحث بر سر این بود که «وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت» آیا باید یک وزارتخانه باشد یا دو یا سه وزارتخانه؟ استدلال‌ها هم اغلب از این جنس بود که این سه در کنار هم بسیار بزرگ و وسیع می‌شوند بنابراین باید به وزارتخانه‌هایی مجزا تقسیم شوند! در حالی که از دید «دانش سیاستگذاری» ما در نظام حکمرانی به مرکز واحدی نیاز داریم که حاصل تلاقی «سیاست تجاری»، «سیاست صنعتی» و «سیاست نوآوری» باشد؛ واحدی که بتواند این «سه سیاست» را تنظیم‌گری کند. اما وقتی مقیاس ما برای تشکیل یک وزارتخانه و یک واحد حکمرانی، اندازه و سائز آن می‌شود این امر گویای این است که ما هنوز محل بحث را درک نکرده‌ایم و بنیان‌های حکمرانی را به درستی تشخیص ن داده‌ایم. این دست از مسائل در نظام حکمرانی ما نشان می‌دهد اگر بخواهیم از این دانش در امر حکمرانی بهره‌بگیریم، چقدر متخصصان رشته سیاستگذاری در ایران، کار معطل و بر زمین مانده دارند.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر نیلوفرشان با موضوع «دانش آکادمیک سیاستگذاری و مسائل ایران امروز» است که به همت خانه اندیشه‌ورزان در محل فرهنگسرای اندیشه ارائه شده است.



هنر حکمرانی است که ارتباطی تنگاتنگ با سایر علوم دارد و به کار تنظیم عملکرد دولت‌ها و عوامل تصمیم‌گیرنده در یک کشور می‌آید. به این اعتبار می‌توان گفت امروز «اقتدار» کشورها به نوعی از دانش سیاستگذاری» که «علم و سیاست» هستند، به نام «سیاستگذاری عمومی» که در نظام حکمرانی جایگاه ویژه‌ای قائل شدند. گویا همین امر، دلیل موجهی برای جامعه دانشگاهی ایران شد تا این دانش را در نظام آکادمیک ایران هم

سیاست و سیاسیون و... قدرت تعامل، گفت‌وگو و همزبانی داشته باشد. متعاقب این احساس نیاز بود که رشته‌هایی چون «سیاستگذاری» در نظام آکادمیک تأسیس شد؛ دانشی که اساساً بر «حل مسأله» متمرکز است و رشته‌ای کاربردی محسوب می‌شود و به این اعتبار، در دنیای امروز برای دولت‌ها و دولت‌مردان دانشی استراتژیک در امر حکمرانی است.

**دانشی که با اقتدار کشورها گره خورده است**

دانش «سیاستگذاری عمومی» علم، فن و

## وقتی وزن «اقتصاد» را در «سیاستگذاری» کم دیدیم

«دانش آکادمیک سیاستگذاری» در ایران در مقایسه با جهان چند تفاوت اساسی دارد که باعث می‌شود این دانش در ایران به خوبی پیش نرود و در عرصه عمل، به قدر کافی کارآمد نباشد. یکی از مهم‌ترین دلایل آن، این است که باید مجموعه رشته‌هایی در کنار هم مساهمت کنند و رشته سیاستگذاری را بسازند؛ اما ما در ایران، در بین مجموعه رشته‌هایی که باید در دانش سیاستگذاری سهم و نقش داشته باشند «وزن و نقش رشته اقتصاد» را تقلیل داده‌ایم. این در حالی است که در سطح جهان، در هر مسأله سیاسی، «اقتصاد» یک رکن جدی آن است. در حالی که در ایران، تمام رشته‌های سیاستگذاری، در جای دیگری غیر از دانشگاه اقتصاد نشسته‌اند. در برخی دانشگاه‌ها رشته خط و مشی گذاری عمومی در دانشگاه مدیریت نشسته است و به دلیل مزوج شدن با رشته مدیریت، دوز مدیریتی آن بالا و وزن اقتصادی آن تقلیل یافته است. در حالی که به عنوان مثال در آمریکا تمام بحث‌های «سیاستگذاری سلامت» بحث‌های اقتصادی است و متخصصان حوزه



برش



سیاستگذاری سلامت اغلب با ادبیات اقتصادی یا یکدیگر تبادل نظر می‌کنند. این در حالی است که در ایران مثلاً در رشته سیاستگذاری علم و فناوری اغلب دانشجویان از کارشناسی مدیریت بازرگانی و مدیریت دولتی به این رشته می‌آیند که دانش‌شان از «اقتصاد علم و فناوری» بسیار اندک است و نمی‌توان با دو واحد درس اقتصاد، دانش مورد نیاز «اقتصاد علم و فناوری» را به دانشجویان منتقل کرد. در نتیجه فارغ‌التحصیلان این رشته به دلیل اینکه درک و فهم کافی از اقتصاد علم و فناوری، اقتصاد سلامت، اقتصاد آموزش، اقتصاد امنیت، اقتصاد دفاع و... ندارند در عرصه عمل هم کارآمدی لازم را نمی‌توانند، داشته باشند. راه چاره این انحراف بزرگ، این است که جایگاه اقتصاد را در رشته سیاستگذاری عمومی تقویت کنیم.